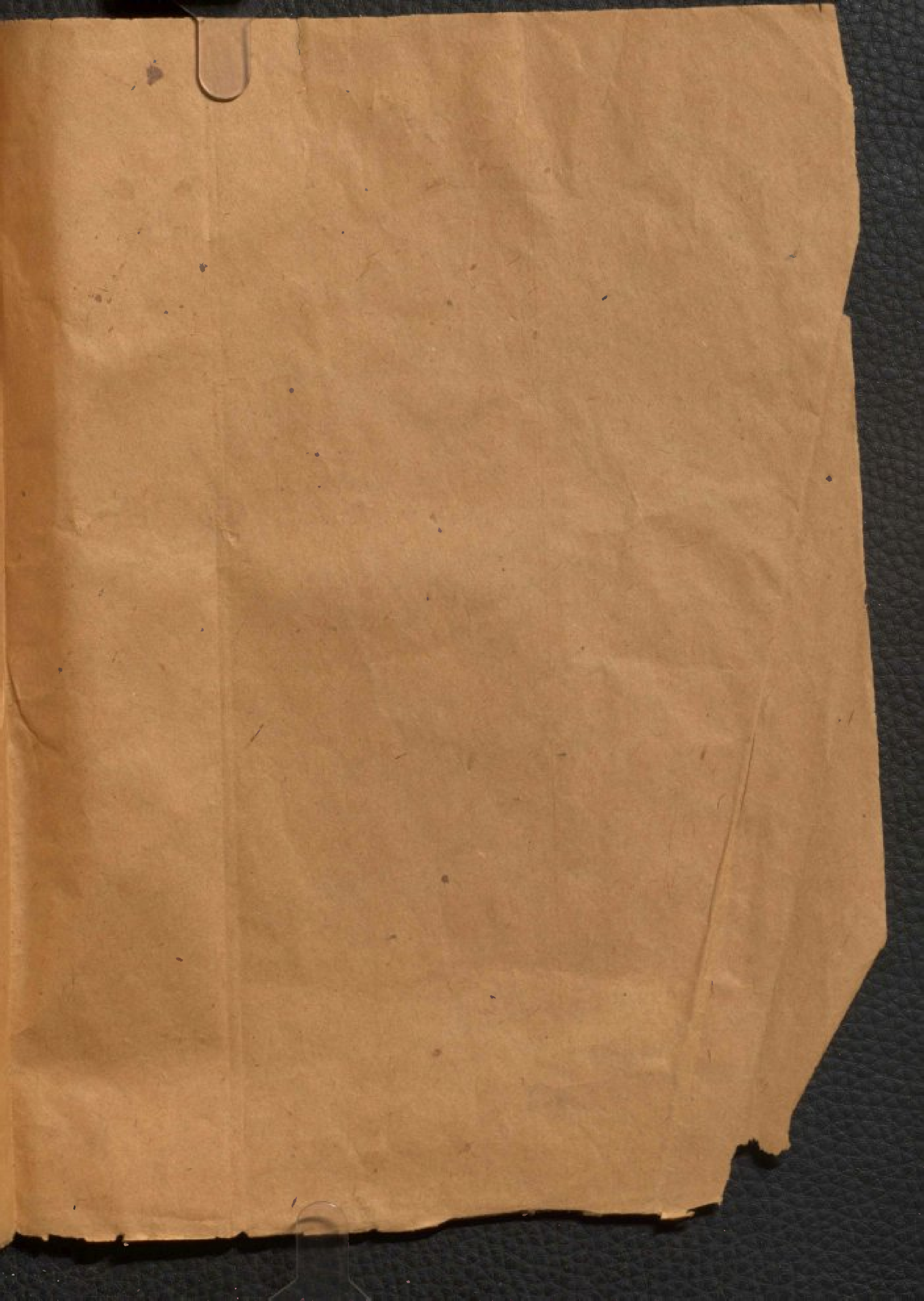
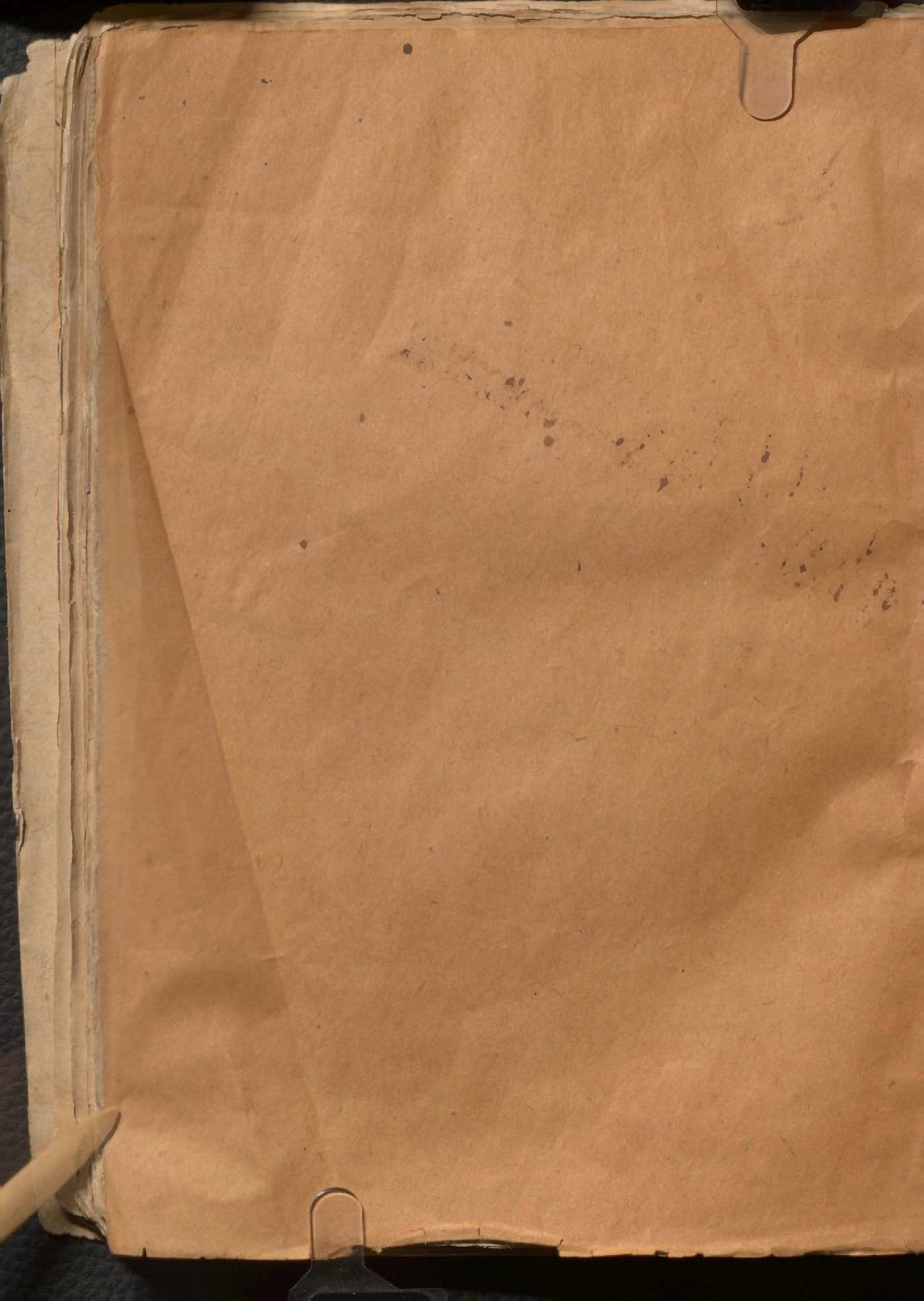
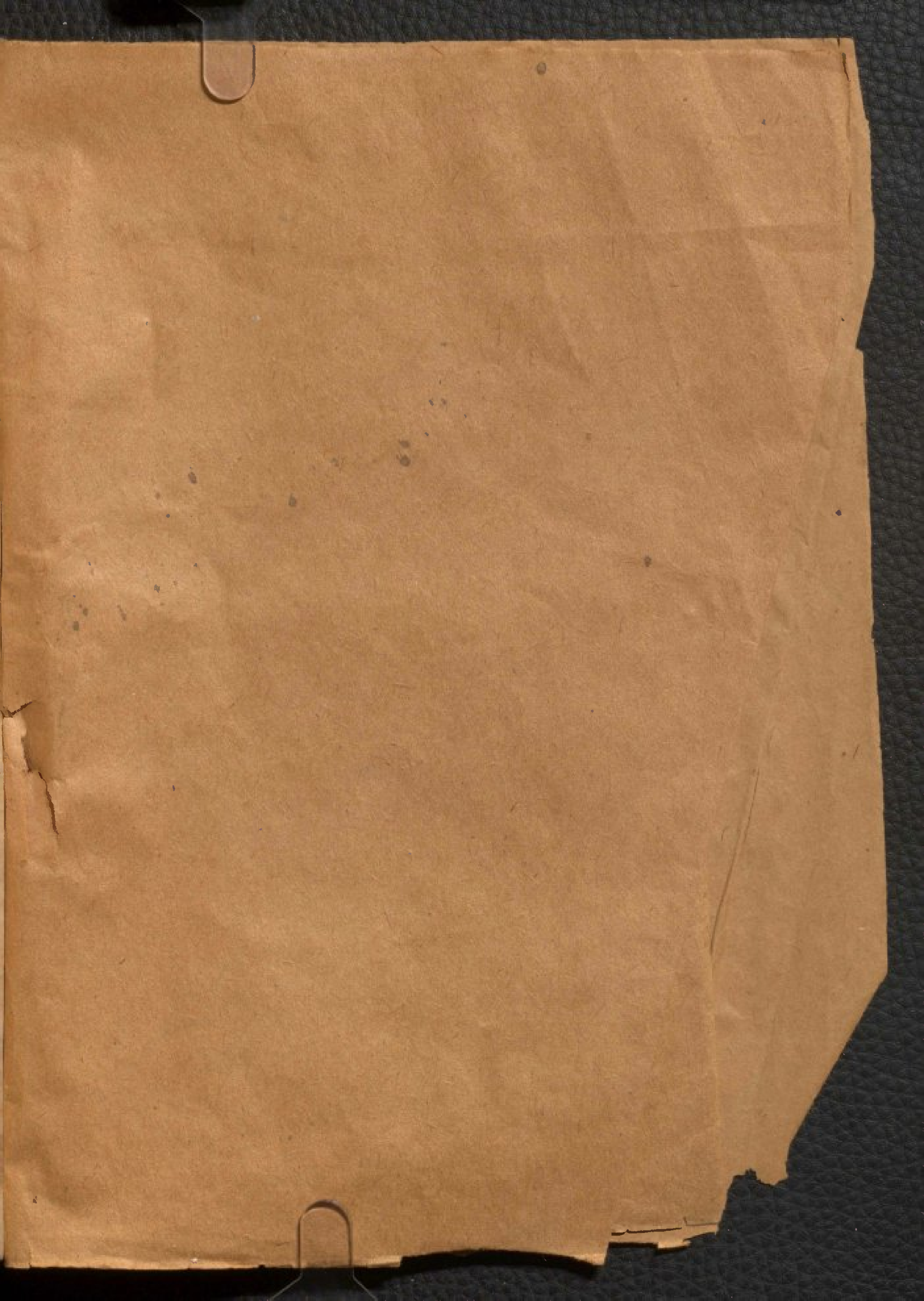












فمن اظلم ممن
بس كيست بي دادتر ازانكس كه
كذب على الله
دروغ كويد بر خداي جل جلاله
وكذب بالصدق
ودروغ زن دادرا راستي را ليني توحيدرا
وقرانرا



إِذْ جَاءَهُ أَلَيْسَ فِي

چون بیامد اورا انیست در

جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ

دوزخ بازگشت جای مر ناگرویدگان را

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ

وانک بیارد راستی یعنی توحید

وَصَدَّقَ بِهِ أُولَٰئِكَ هُمُ

وراست کوی دانست اورا ایشانند ایشان
مراد ازان ابیست محمد علیه السلام

الْمُتَّقُونَ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ

پرهیزکارانست

عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَٰلِكَ جَزَاءُ

نزد خداوند ایشانست پاداش ایست پاداش

الْمُحْسِنِينَ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ

نیکوکارانست تا کفارت کند خدای از ایشان

أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ

بدتر آنک بکردند وپاداش دهد ایشانرا

أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا

مزد ایشان نیکوترست چیزی که بودند

يَعْمَلُونَ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ

میکردند نیست خدای بسنده

عَبْدَهُ ط وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ

بنده‌ٔ   ومي ترسانند ترا   بانانك   از

دُونِهِ ط وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

جز خداوند   وهركرا   گمراه كند   خداي   بس نيست   مر اورا

مِنْ هَادٍ ۝ وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ

از   راهنمايي   وهركرا   راه راست نمايد   خداي

فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ط أَلَيْسَ اللَّهُ

بس نيست مر اورا   هيچ   گمراه كننده   اينست   خداي

ذِي انْتِقَامٍ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

خداوند   انصاف ستاننده   واگر   سوال كني شان را

مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

كه كيست كه   افريد   اسمانها   و زمين

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ط قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ

هر اينه گويند   خداي افريد   بگو اي محمد   اي پس چه مي بينيد

بِعَزِيزٍ

ارجمند اي غالب در پادشاهي

ان ارادني الله

مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ

انچه ميخوانند از جز خداي

بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ

رنجي هستند ايشان برنده

ضُرِّهِ اَوْ اَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ

رنج وضرر مراورا يا خواهد بمن رحمتي هستند

هُنَّ مُمْسِكَاتُ رَحْمَتِهِ ط قُلْ

ايشان بازدارندگان رحمت او چون عاجز اوباشند بگو واماندند بگو

حَسْبِيَ اللّٰهُ ط عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ

بسنده است خداي برو توكل كنند

الْمُتَوَكِّلُونَ قُلْ يَا قَوْمِ اعْمَلُوا

توكل كنندگان بگوي اي گروه من بكنيد

عَلَى مَكَانَتِكُمْ اِنِّي عَامِلٌ ج

بر همين حال خود كه من نيز بر حال خود

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَاتِيهِ

بس زود باشد که بدانید انک بیایذ بروی

عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ

عقوبتی که خوار کند اورا دنیا وفرود آید بروی عقوبتی

مُقِيمٌ إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ

جاودانه که ما فرستادیم بر تو برای مردمان قرآن را

لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَى

برای مردمان براستی پس هر که راه یافت

فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا

پس نفع آن اوراست وهر که گمراه شد پس بدرستی که

يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ

گم شد برای خود را یعنی زیان او اورا باشد ونیستی تو برایشان

ع

بِوَكِيلٍ اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ

نگهدارنده خدای بردارد وبستاند جانها

حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ

بوقت مرگ آن وانک نمرد بردارد جان

فِي مَنَامِهَا فَيُمْسِكُ الَّتِي

او در خواب پس بازدارد انک

تَضَى عَلَيْهِ الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ

حکم کرد بران بمرگ و بفرستد یعنی چون از سر خواب بیدار شود باز دهد جان

الْأُخْرَى إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ

دیگر بار تا مهلتی نام برده بدرستی

فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

در این نشانهاست مر گروهی را که اندیشه کنند

أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ

یا بگیرند از جز خدای شفیعان

قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ

بگوی محمد ایشان نگر باشند که با آنکه اند

۶

شَيْـًٔا وَلَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلْ لِلّٰهِ

هيچ چيزي را وني يافتند بسرچه ميكيريد بكوي اي محمّد مرخداي را سنت ايشان نزا نجدايي

الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ط لَهُ مُلْكُ

شفاعت همه مراورا بادشاهي

السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ ثُمَّ اِلَيْهِ

اسمانها وزمين بس سوي او

تُرْجَعُونَ ۝ وَاِذَا ذُكِرَ اللّٰهُ

بازكردانند شمارا وجون يادكنند خداي

وَحْدَهُ اشْمَاَزَّتْ قُلُوبُ

بيكانكي برمد دلهاء

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ

انكسانك بكروند بروز بازبسين

وَاِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ

يادكرده شود انانك از جز خداي اند

إذا هم يستبشرون قل اللهم

شیدون شادمان شوند بگوئی محمد ای بار خدای

فاطر السموات والأرض

آفریننده آسمانها و زمینها

عالم الغيب والشهادة أنت تحكم

داننده نهانی و پیدا تو حکم کنی

بين عبادك فيما كانوا فيه

میان بندگان خود در آنچ بودند در وی

يختلفون ولو أن للذين ظلموا

اختلاف میکنند و اگر بدرستی مر آنانرا که ستم و کفر کرده اند باشد

ما في الأرض جميعا ومثله

آنچ اندر زمین است همه و همچندان دیگر

معه لافتدوا به من سوء

با او هر آینه فدا دادندی بدان

الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَبَدَا

عذاب روز قیامت که هیچ وبیدا شد

سود نکند

لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا

مر ایشانرا . از خدای آنچ نه بودند

يَحْتَسِبُونَ وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ

که بنداشتند یعنی آنچ نمی وبیداشد مر ایشانرا بدیها

بنداشتند

مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ

آنچ کسب کردند وفرود آید بدیشان

مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

آنچ بودند که بدو افسوس میکردند

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ

بس جون برسد مردم را ضرری

دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً

بخواند ما را بس جون بدهیم اورا نعمتی

مِنَّا قَالَ اِنَّمَا اُوتِيتُهُ عَلَى عِلْمٍ

از ما گوید که بدرستی که داده شد مرا این نعمت بعلم خود

بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ اَكْثَرَهُمْ

بلکه آن فتنه رادادم ولیکن بسیاری ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ

نمی دانند بدرستی که گفته اند آنانک

مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا اَغْنَى عَنْهُمْ

پیش از پس بودند پس برسود نکرد از ایشان

مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَاَصَابَهُمْ

بودند میکردند پس برسید ایشانرا رنج

سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا

بدیها رنج بکردند وآنانک ستم کردند

مِنْ هَؤُلَاءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ

از ایشان زود برسد ایشانرا بدیها

٨

ما كسبوا وما هم بمعجزين

آنچ بكردند ونيستند ايشان عاجز كنندگان

اولم يعلموا ان الله يبسط

انه ميدانند كه خداي فراخ كند

الرزق لمن يشاء ويقدر

روزي مر هر كرا خواهد وتنگ كند از مر هر كه خواهد

ان في ذلك لآيات

كه در اين نشانيهاست

لقوم يؤمنون قل يا عبادي

مر گروهي را كه بگروند بگو اي بندگان من

الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا

آنانك اسراف كردند بر تنهاي خويشتن بسيار به گناه وشرك بياوردند بدين نوميد مباشيد

من رحمت الله ان الله

از رحمت خداي بدرستي كه خداي

ع

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا ط إِنَّهُ

بیامرزد گناهان همه که

هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَأَنِيبُوا

اوست امرزنده گناهان بخشاینده و بازگردید

إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ

سوی خداوند خویش و گردن نهید مر او را پیش

قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ

ازان که بیاید شما عذاب پس

لَا تُنْصَرُونَ ۝ وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ

یاری نکنند شما را واپس روی کنید این کتاب نیکو را

مَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ

که فرستاده شد بشما از خداوند شما

مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ

پیش از انسا که بیاید شما را عذاب

بغتة

بغتة وانتم لا تشعرون

ناكهان وشما ندانيد يعني بيش ازانشا

ان تقول نفس يا حسرتا

كه كويد تني اي بشيمانيا

على ما فرطت في جنب

بر آنچ صايع كرديم وتقصير كرديم در حق

الله وان كنت لمن الساخرين

خداي ودر حق خلق بيوم هرآينه از باطل كاران بودم

او تقول لو ان الله هداني

يا بكويد كر بدرستي خداي راهنمودي مرا

لكنت من المتقين او تقول

هرآينه بودمي از برهيزكاران يا كويد

حين ترى العذاب لو ان

وقت كه ببينند عذاب دوزخ كر بدرستي

لي كرة فأكون من المحسنين

مرا بودي بازگشتن يكباري بس بودمي از پرهيزكاران

بلى قد جاءتك آياتي فكذبت

خداوند تعالي رد كرد اين قول او را وگفت بلى بدرستي بيامد ترا ايات ما بس دروغ زن داشتي

بها واستكبرت وكنت من

انرا و كبر كردي و بودي از

الكافرين ويوم القيامة

ناسپاسان و روز قيامت

ترى الذين كذبوا على

به بيني تو اي محمد انانك دروغ گفتند بر

الله وجوههم مسودة ط

خداي روهاي ايشان سياه گشته

أليس في جهنم مثوى

انيست در دوزخ جاي بازگشت

للمتكبرين

للمتكبرين ۝ وينجي الله الذين

مر كافرانرا يعني هست ونجات دهد خداي انانرا كه

اتقوا بمفازتهم لا يمسهم

بترسيدند بدرنج رستند ايشان نسايد ايشانرا بقيامت

السوء ولا هم يحزنون ۝

بد

يعيح بجي ونه ايشان اندوهكين كردند

الله خالق كل شيء وهو

خداي افريننده هر جيزيست واو

على كل شيء وكيل ۝ له

بر هر جيزي نكاهبانست مراورا

مقاليد السموات والارض

كليدها اسمانها وزمينها

والذين كفروا بايات الله

وانانكه نكرديدند باياب خداي

ع

أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۞ قُلْ

ایشانند ایشان زیانکاران بکوای محمد

أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا

ابس جز خدای ایشانند که بپرستم ای

الْجَاهِلُونَ ۞ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ

نادانان وبدرستی وحی کرده شد بتو

وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ

وبسوی آنانک پیش از تو بودند

لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ

اگر انبازاری هر اینه تباه شود کار تو

وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۞

وباشی تو بدرستی از زیان کاران

بَلِ اللَّهَ فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ

بلک خدایرا بپرست وبباش از

الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ

سپاس داران وصفت نکردند خدا را حق

قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ

صفات او وزمین بافراخی وطول وعرض همه زیر قدرت

وی بسیطری وحرم او ونتوان تصرف ویست

يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ

روز قیامت واسمانها فراز

مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ

نوشته بسود روز قیامت بقدرت وی پاکست وی خداونه

وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَنُفِخَ

وعالیست وبیزارست ازانچ کافران او را انباز میگویند ودمیده شود

فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ

در صور واین نفخ بس بمیرد بصعق ها هرکه

بمعنی الموت اوراست

فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي

در اسمانهاست وانچ در

الارض الا من شاء الله

زمين است مگر آنكه را خواهد خداى تعالى

ثم نفخ فيه اخرى فاذا هم

پس دميده شود در صور بار ديگر پس همه بودن ايشان را

قيام ينظرون واشرقت

ايستاده مى نگرند يعنى خلق هفت وروشن شود

باشند آسمان و زمين زنده اند

الارض بنور ربها ووضع

زمين قيامت بنور خداوند او و نور كنايت است عدل از و نهاده

الكتاب وجاىء بالنبيين

نامهاء بدست بندگان واورده شوند پيغامبران عليه السلام

تا ببرسند از تبليغ رسالت

والشهداء وقضى بينهم بالحق

وحاضر كنند مومنان صالح را تا گواهى دهند برسالت پيغامبران وحكم كرده شود ميان ايشان براستى

وهم لا يظلمون ووفيت

وايشان ستم كرده نشوند وتمام داده شود

كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ

هر شى آنچه كرد واو است

أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۝ وَسِيقَ الَّذِينَ

دانا بدانچه ميكفتند ودانده شوند آنانكه

كَفَرُوا إِلَى جَهَنَّمَ زُمَرًا ۝

كافر شدند سوى دوزخ كروه كروه

حَتَّى إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا

تا چون آمدند بران كشاده شود درهاى آن

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ

وكويند مرايشانرا خازنان آن آيا نه آمدند بر شما

رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ

پيغامبران از شما بخوانند بر شما آيتهاى

رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ

خداوند شما وترسانند شمارا از رسيدن روز شما

هذا قالوا بلى ولكن كلمة

آنا گويند آرى وليكن سخنى

العذاب على الكافرين ۝ قيل

عذاب بر كافران گفته شود

ادخلوا ابواب جهنم خالدين

درآيند بدر كات دوزخ جاودانه

فيها فبئس مثوى المتكبرين ۝

دران پس بدست جاى متكبران

وسيق الذين اتقوا ربهم

وراند شوند آنانكه ترسيده اند از خداوند خود

الى الجنة زمرا حتى اذا

سوى بهشت گروه گروه تا چون

جاؤها وفتحت ابوابها

آمدند بدان وگشاده درهاى آن

وقال لهم

وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

وگویند مرایشانرا خازنان آن

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَا

سلام بر شما خوشی باشید پس

دْخُلُوهَا خَالِدِينَ ۝ وَقَالُوا

درآمو دران جای جاودانه وگویند

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا

سپاس وستایش مر خدایرا آنکه کرد مارا

وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ

وعده خود ومیراث داد مارا زمین

نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ

جای گیریم از بهشت آنجا که خواهیم

فنعم اجر العاملين

پس نیکوست مزد عاملانرا

وترى الملائكة حافين

و به بینی تو فرشتگانرا گرد گیرندگان

من حول العرش يسبحون

از گرد عرش تسبیح میگویند

بحمد ربهم وقضي

بحمد خداوند خود و حکم کرده شود

بينهم بالحق وقيل الحمد

میان ایشان براستی و گفته شود سپاس و ستایش

لله رب العالمين

مر خدا را خداوند جهانیان

بسم الله

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداي مهربان بخشاينده

حمٓ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ

اي انا الحليم والمالك وقيل سوگند است بحلم وملك

كه فرستادن اين قران از

اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ غَافِرِ

خداي ارجمند داناست بوشنده

الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ

گناه مومنان و بذيرنده توبه

شَدِيدِ الْعِقَابِ ۝ ذِي الطَّوْلِ ط

سخت است عقوبت او خداوند قدرت و قوّت

لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ ط إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

نيست خدايي مگر او بدو جاي بازگشت است

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللّٰهِ

جدل نكنند در ايات خداي و معجزهاي او

الا الذين كفروا فلا يغررك

مگر آنانکه نگرویدند پس نفریبد ترا

تقلبهم في البلاد ۝ كذبت

گشتن ایشان در شهرها دروغ زن داشتند

قبلهم قوم نوح والاحزاب

پیش از ایشان گروه نوح مر نوح را وسپاهان یعنی گروهان

من بعدهم وهمت كل

از پس ایشان وقصد کردند هر

امة برسولهم لياخذوه وجادلوا

گروهی پیغامبر خود تا بگیرند او را وجدال کنند

بالباطل ليدحضوا به الحق

بباطل تا باطل کنند بدان حق را

فاخذتهم فكيف كان عقاب

پس بگرفتیم ایشان را پس چگونه بود عقوبت من

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ

وهمچنين واجب شد عقوبت

رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوٓا

خداوند تو بر انانك نكرويدند

أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ الَّذِينَ

كه ايشان باشندكان دوزخ امد انانك

يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ

برمي دارند عرش خدايرا وهركه

حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

بركرد عرش است تسبيح ميكويند بسپاس خداوند خودرا

وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ

وبرايمان بوي باشند وامرزش ميخواهند

لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ

مرانكسانرا كه بكرويدند اي خداوندما فرازرسيدي

كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ

هر چیزی را برحمت و علم پس بیامرز

لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ

مر آنکسانرا که توبه کردند و پس روی کردند راه ترا

وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ رَبَّنَا

و نگاهدار ایشانرا از عذاب دوزخ ای خداوند

وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ

و اندر آرشان بهشت مقیمی

الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ

آنک وعده کردی ایشانرا و آنانرا که گرویده‌اند بصلاح آرند یعنی

مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ

از پدران شان و از زنان شان و فرزندان شان

إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَقِهِمُ

که تو توئی ارجمند حکم کننده و نگاهدار شان

السيئات

السَّيِّئَاتِ ۚ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ

از بدیها وهر کرا نکاه داشتی از بدیها یعنی از عقوبت روز

يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۚ وَذَٰلِكَ

روز قیامت پس بدرستی رحمت کردی بروی وانیست

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۞ إِنَّ الَّذِينَ

او رستکاری بزرک بدرستی آنانک

ع

كَفَرُوا يُنَادَوْنَ لَمَقْتُ

نکرویدند ندا کرده شوند که هرآینه خشم

اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ

خدای بزرکتر از خشم دلتان شماست بر تنهاء خویش

إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ

چون خوانند شمارا بسوی ایمان

فَتَكْفُرُونَ ۞ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا

پس کافر شوید کویند ای خداوند ما بمیرانیدی

اثْنَتَيْنِ وَاَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

دوبار زنده گردانیدی دوبار

فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَى

پس مقر آمدیم بگناه خود پس هست سوی

خُرُوجٍ مِّنْ سَبِيلٍ ذَلِكُمْ بِاَنَّهُ

بیرون آمدن از دوزخ هیچ راهی این بدانست خود در دوزخ

اِذَا دُعِىَ اللّٰهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ

چون خوانده شد خدای یگانگی منکر شدید

وَاِنْ يُّشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا

وچون انبازی آورده شد بخدای میگروید

فَالْحُكْمُ لِلّٰهِ الْعَلِىِّ الْكَبِيرِ

پس حکم مر خدایراست بزرگ و متعالیست بزرگ ترست از لیخ اورا بزرگ دارند

هُوَ الَّذِى يُرِيكُمْ آيَاتِهِ

اوست آن خدای بنماید شما را آیات خود را

وینزل

وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ

و فرستد براى شما از اسمان

رِزْقًا ط وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ

روزى يعنى باران و بند نگيرند مگر كسى كه

يُنِيبُ ۝ فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ

بازگردد بخداى پس بخوانيد خدايرا باخلاص

له الدين ولو كره الكافرون

رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ

بردارند درجات خداوند عرش است

يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ

كه بفرستاد جبرئيل را از فرمان او

عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

بر هركه خواهد از بندكان خود

لِيُنْذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ ۝ يَوْمَهُمْ

تا بيم كند از روز ديدار كرد يعنى روز قيامت روزى كه ايشان

بٰارِزُونَ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللّٰهِ

اشکارا شوند چنان بوشیده نه شوند بر خدای

هم از کرد ایشه

مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ الْيَوْمَ

از ایشان چیزی مر کراست پادشاهی امروز

لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۝ اَلْيَوْمَ

مر خدایراست که یکی است شکننده کامراندکان امروز

تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

پاداش داده شود هر تنی برانچ

كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ

کسب کرد نیست هیچ ستمی امروزا که

اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَأَنْذِرْهُمْ

خدای زود شمارست و بیم کن

يَوْمَ الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ

از روز آینده و نزدیک چون دلهاء

لدى

لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ

نزدیک حلقهاء جسر شدکان وغم رسیدکان

مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ

بناشد مر ستمکارانرا هیچ خویشاوندی

وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ يَعْلَمُ خَائِنَةَ

ونه شفاعت خواهی که مطاع بود [illegible] بداند خیانت

الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

چشمها ولنچ پنهان دارد سینها

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ

وخدای حکم کند براستی [illegible] وانانرا که

مومنان وهلاک کافران

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ

بی پرستند ومیخوانند از جز خدای حکم نکنند روز قیامت

بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

بچیزی که خدای اوست شنوا بینا

ع

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

انمي روند در زمين

فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

تا به بينند چگونه بود سرانجام كار

الَّذِينَ كَانُوا مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا

اناك بودند پيش از ايشان بودند

هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا

ايشان سخت تر از ايشان بقوة وبه بناها بسيار يعني مال بسيار داشتند

فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ

در زمين بس رزايشان خداي

بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُم

بگناهان شان ونه بود مرايشان را

مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ ذَٰلِكَ

از عذاب خداي هيچ نگاهدارنده اين عذاب بدان بوده

بانهم

بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ

بدرستي كه بودند بيامدند شان پيغامبران شان

بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ

بحجتها پس كافر شدند پس بگرفت ايشان را

اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

خداي كه او است قوي و قادر سخت است عقوبت او

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا

و بدرستي كه فرستاديم موسي را بآيات و معجزات

وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

و حجتي پيدا سوي فرعون

وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا

و هامان و قارون پس گفتند

سَاحِرٌ كَذَّابٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ

جادو گري سخت دروغ گويست پس چون بياورد با ايشان

بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا

ایاو معجزات از نزد ما گفتند بکشید

أَبْنَاءَ الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا

پسران آنکسان را که ایمان آورده اند با او و زنده دارید

نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ

دختران ایشان را تا حست ما کنند و نبود مکر کافران

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ

مگر در گمراهی و گفت فرعون

ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ

بگذارید مرا تا بکشم موسی را یعنی یاری خواهد ازوی و گو بخواند

رَبَّهُ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ

خداوند خود را که من می ترسم که بدل کند

دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ

دین شما را یا که آشکارا کند در روی زمین

الله

١٤

ع

الْفَسَادَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي

که من | موسی | وگفت | تباهی

عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ

هر | از | وخداوند شما | بخداوند خویش | پناه گرفتم

مُتَكَبِّرٍ لَّا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

شمار یعنی روز قیامت | بروز | نگرود | تکبر کننده که

وَقَالَ رَجُلٌ مُّؤْمِنٌ مِّنْ آلِ

که از آن | گرویده | مردی | وگفت

فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُۥٓ أَتَقْتُلُونَ

ابی کشید | پوشیده داشتی بود ایمان خود را | فرعون بود نام وی

رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

الله است | خداوند | میگوید که | که | مردی را

وَقَدْ جَآءَكُم بِالْبَيِّنَاتِ مِن رَّبِّكُمْ

خداوند شما | از | حجتها | وبدرستی که

وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ

واگر هست موسی دروغ گوینده پس بر وی است عقوبت دروغ وی

وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُمْ

واگر هست موسی راست گوینده برسد شما را

بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ

بهرهٔ وعده میکند شما را که خدای

لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ

راه ننماید کسی را که او اسراف کننده است

كَذَّابٌ يَا قَوْمِ لَكُمُ الْمُلْكُ

دروغ گوینده دروغ بسیار خویشان کنت ای مرشما را پادشاهی گروه من

الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ

امروز در حصر قهر کنند گان شد در زمین ولیکن این باین بایی نخواهد

فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ

پس کیست که نصرت کند ما را از عذاب خدای

إِنْ جَاءَنَا ۚ قَالَ فِرْعَوْنُ

جون بیاید بما گفت فرعون

مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَىٰ وَمَا أَهْدِيكُمْ

نه نمایم شمارا از صواب جز انک خود را صواب بینم و راه ننمایم شمارا

إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ وَقَالَ الَّذِي

مگر راه راست و گفت آنک

آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

ایمان آورد یعنی ای گروه من که من می‌ترسم بر شما

مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝ مِثْلَ

مانند روز سپاهیان و گروهان که عذاب آمد بدین زمان مانند

دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ

عذاب قوم نوح و عادیان و ثمودیان

وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ وَمَا

وآنانک از پس ایشان بودند و نیست

اللّٰهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ ۞

خدای که بخواهد ستمی برای بندکان

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ

وای کروه من که من می ترسم برشما

يَوْمَ التَّنَادِ ۞ يَوْمَ تُوَلُّونَ

روز فریاد کردن یکدیکر لز روز که برکردید

مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللّٰهِ مِنْ

پایی پس نیست مرشمارا از عذاب خدای هیچ

عَاصِمٍ ط وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ

بازدارنده وهرکرا کمراه کند خدای

فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۞ وَلَقَدْ جَاءَكُمْ

پس نیست مراورا هیچ راهنمایی وبدرستی بیامد مرشما

يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ

یوسف پیغامبر پیش ازان بحجتها

تمام اللهم

فما زلتم في شك مما جاءكم

بس هميشه شما در گمان بوديد از انچ بياورد شما

به حتى اذا هلك قلتم لن

انرا تا جون بمرد گفتيد هرگز

يبعث الله من بعده رسولا

نفرستد خداي از بس او بيغامبر

كذلك يضل الله من هو

همچنين گمراه كند خداي كسي را كه او

مسرف مرتاب ۝ الذين

از اسراف كنندگان شك ارندگان باشند انانك

يجادلون في آيات الله

جدال ميكنند در ايات خداي

بغير سلطان أتاهم كبر

بي هيچ حجتي كه بيامدشان بزرگ شد اين

مقاده

مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ

بخشم نزد خداي ونزد انانك

آمَنُوا كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ

بگرويدند همچنين مهركند خداي

عَلَى كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

بر هر دل كبركننده جباري

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا هَامَانُ

وگفت فرعون اي هامان

ابْنِ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ

بناكن براي مرا كوشكي بلند تاشايدكه برسم

الْأَسْبَابَ أَسْبَابَ السَّمٰوَاتِ

اسباب را اسباب اسمانها

فَأَطَّلِعَ إِلَى إِلٰهِ مُوسَى وَإِنِّي

پس ديده ور شوم يعني برسم بسوي خدابه موسي وبدرستي كه من

لاظنه

لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ط وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ

هر آینه گمان می برم دروغ گوی و همچنین آراسته شد

لِفِرْعَوْنَ سُوْٓءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ

برای فرعون بدی کار او و باز داشته شد

عَنِ السَّبِيْلِ ط وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ

از راه راست و نبود مکر فرعون

اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ۝ وَقَالَ الَّذِيْٓ

مگر در زیان و بازکاری و گفت آنک یعنی خربیل رحمه الله و بعضی گفتند موسی گفت علیه السلام

اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ اَهْدِكُمْ

ایمان آورد ای گروه من بسوی کنید مرا تا بنمایم شما را

سَبِيْلَ الرَّشَادِ ۝ يٰقَوْمِ اِنَّمَا

راه راست ای گروه من بدرستی که

هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا مَتَاعٌ ط وَّاِنَّ

این زندگانی این جهان متاع است لی فانی است

نصف

نصف حزب

الآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۞

آن جهان او سرایی باقی و قرارست

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَى

هرکه بکند بدی پس پاداش نکنند اورا

إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا

مگر مانند آن و هرکه بکند کردار نیک

مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ

از مرد یا زن واو گرویده باشد

فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ

پس ایشانند که درایند بهشت

يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۞

روزی داده شوند درانجایه بی شمار

وَيَا قَوْمِ مَا لِيَ أَدْعُوكُمْ إِلَى

وای گروه من چه بود مرا که میخوانم شمارا بسوی

النجاة

النجاة وتدعونني الى النار

رستگاري و ميخوانند مرا سوي اتش دوزخ

تدعونني لاكفر بالله واشرك

ميخوانيد مرا تا كافر شوم بخداي و انباز گيرم

به ما ليس لي به علم

بدو انچ نيست مرا بدو دانشي

وانا ادعوكم الى العزيز

و من ميخوانم شمارا سوي ارجمند

الغفار لا جرم انما تدعونني

امرزنده حقا كه بدرستي كه ميخوانند مرا

اليه ليس له دعوة في الدنيا

به پرستش وي نيست مر اورا دعوتي در اين جهان

ولا في الاخرة وان مردنا

ونه در ان جهان و هر اينه بازگشت ما

إلى الله وأن المسرفين

سوی خدایست و بدرستی که اسراف کنندکان

هم أصحاب النار فستذكرون

ایشانند باشندکان آتش دوزخ پس زود باشد که یاد کنید

ما أقول لكم وأفوض أمري

آنچه میکویم من مر شمارا و باز گذاشته ام کار خود را

إلى الله إن الله بصير

بسوی خدای که خدای بیناست

بالعباد فوقيه الله سيئات

به بندکان خود پس نکاه داشت اورا خدای تعالی از بدیها

ما مكروا وحاق بآل فرعون

آنچه سکالش کردند و فرود آمد بآل فرعون

سوء العذاب النار يعرضون

سختی عذاب آتش عرض میکنند

علیها

عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا ۚ وَيَوْمَ

بر جان این آل فرعون بامداد و شبانگاه و این دلیلیست [illegible] که عذاب ... و روز

تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ

خاستن قیامت گویند ایشانرا درآیید ای پسران

فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

فرعون سخت‌ترین عقوبت

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ

و چون درآیند آل فرعون و کافران در آتش دوزخ خصومت کنند و یکدیگر

فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ

پس بگویند ضعیفان و زیردستان کافران مر آنانرا که

اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا

کبر و کردن کسی [illegible] بدرستی که ما بودیم مر شمارا زیردستان در دنیا

فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا

پس هیچ توانید شما برداشتن از ما

نصيبا من النار ۝ قال الذين

همرهٔ از عذاب آتش گویند آنانکه

استكبروا انا كل فيها

متکبران و مهتران که ما همه بودند

در آتش مانده ایم ای یاران برشما حکم نه برخود

ان الله قد حكم بين

که خدای عز و جل بدرستی حکم کرد میان

العباد ۝ وقال الذين في

بندگان خود و گویند آنانکه در

النار لخزنة جهنم ادعوا

آتش اند مر مالک و خازنان دوزخ را بخوانید

ربكم يخفف عنا يوما من

خداوند خود را تا سبک کند از ما روزی از

العذاب ۝ قالوا اولم تك

عذاب گویند انه بوده

تاتيكم

ط

تَاتِيكُمْ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

امدند برشما بيغامبران شما بحجتها

قَالُوا بَلَى قَالُوا فَادْعُوا وَمَا

كويند آري كويند بخوانيد ونيست

دُعَاءُ الْكَافِرِينَ اِلَّا فِي

خواندن كافران مكر در

ضَلَالٍ اِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا

كمراهي بدرستي كه باري كنيم ما بيغامبران خودرا

وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيٰوةِ

وانانرا كه ايمان اوردند در زندكاني

الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْاَشْهَادُ

اين جهان وروز قيامت كه بباي خيزند كواهان

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ

روزي كه سود نكند ستمكارانرا عذرخواستن ايشان

ع

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ

ومر ایشانراست لعنت یعنی نومیدی از رحمت خدای ومر ایشانرا بدی سنت

الدَّارِ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى

سرای دوزخ وبدرستی که بدادیم موسی را

الْهُدَى وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

هدی وهدی اسم جامع است بدانك مرهرچه را بنده محتاج است ومیراث اوردیم فرزندان

الْكِتَابَ ۝ هُدًى وَذِكْرَى

کتاب تا بود کار کند راهنماینده وپند است

لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ فَاصْبِرْ

مرخداوندان خردها را پس صبر کن ای محمد

إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ

بدرستی که وعده خدای حق است وامرزش خواه

لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ

مرگناه خود را وتسبیح کوی بسپاس خداوند خود را

بالعشي

بالعشي والابكار ان الذين

بشبانگاه وبامداد بدرستي انانك

يجادلون في آيات الله

جدال ميكنند در ايات وحدانيت خداي

بغير سلطان اتيهم

بي هيچ حجتي كه امد بايشان

ان في صدورهم الا كبر

نيست در دلهاء ايشان مگر كبري

ما هم ببالغيه فاستعذ

نه اند ايشان رسندگان بوي پس بازداشت خواه اي محمد

بالله انه هو السميع البصير

بخداي كه اوست او شنوا بينا

لخلق السموات والارض

هر اينه آفرينش اسمانها وزمين

أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ

بزرگتر از آفرینش مردمانست

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

ولیکن بسیاری مردمان نمی دانند

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

ونیست برابر کور وبینا

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

وانانک ایمان اوردند وکار کردند نیکیها

وَلَا الْمُسِيءُ ط قَلِيلًا مَا تَتَذَكَّرُونَ

ونه گناه کار اندکی که پند گیرند

إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَا رَيْبَ

بدرستی روز قیامت هر اینه آینده است نیست هیچ شکی

فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

دران ولیکن بسیاری مردمان

لا يؤمنون ۝ وقال ربكم

نمی گروند — و گفت — خداوند

ادعوني أستجب لكم ط إن

بخوانید شما بتوحید و توبه — تا بیامرزم — مر شمارا — بدرستی

الذين يستكبرون ۝ عن عبادتي

آنانکه — کبر کردند — از — بندگی من

سيدخلون جهنم داخرين ۝

زود در آیند — بدوزخ — خواران

الله الذي جعل لكم الليل

خدای — آنکه — بکرد — برای شما — شب

لتسكنوا فيه والنهار مبصرا ط

تا قرار گیرید — در و — و روز بیافرید — بینا و روشن

إن الله لذو فضل على

بدرستی که خدای — خداوند — فضل است — بر

ع

النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

مردمان ولیکن بسیاری مردمان

لَا يَشْكُرُونَ ۝ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

سپاس داری نکنند این خدای و پروردگار خداوند شماست

خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَا إِلَٰهَ إِلَّا

آفریننده همه چیزی نیست خدای مگر

هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ كَذَٰلِكَ

او پس از کجا می گردید همچنین

يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ

گردانیده شوند آنانکه بودند که بآیات

اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي

خدای منکر شوند خدای آن خدایست

جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا

که کرد مر شما را زمین قرارگاه



وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ

واسمان سقف شما وصورت كرد شمارا بس نيكو كرد

صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِّنَ الطَّيِّبَاتِ

صورت كرد شانرا وروزي داد شان از پاكيها

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ

اين خداي خداوند شما بس بزرگ است

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ هُوَ

خداي خداوند جهانيانست اوست

الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ

زنده كي نيست اله مگر او بس بخوانيد اورا

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ

باخلاص مر اورا در دين سپاس

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ قُلْ

مر خدايرا خداوند جهانيان بلو اي محمد

إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ

که من باز داشته شده ام که بپرستم آنانرا که

تَدْعُونَ

بخوانید

مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ

از جز خدای چون بیامد مرا

الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ

بیداییها از خداوند من وفرموده شده ام

أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

که گردن نهم مر پروردگار جهانیان را

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ

اوست آن خداوند که بیافرید تان از خاک

ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ

پس از آب منی پس از خون بسته

ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

پس بیرون آورد تانرا کودک پس زمان دهد تا برسید

29

أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا

بلوغ و بجمال سال بکی بس تا برسید بد پیری

وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن

وازشما کسی است که میرانند اورا پیش از

قَبْلُ وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى

بلوغ یا پیش از آنکه پیر شوند و تا برسید مهلتی را نام برده

وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هُوَ

و تا باشد که بی افتید اوست

الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ

آن خدای که زنده کند و بمیراند

فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ

بس چون حکم زند بودن کاری را بس بدرستی بگوید

لَهُ كُن فَيَكُونُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

مرا اورا که باش بس بباشد آیا نمی بینی یا محمد سوی

ع

الَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ فِيْ آيَاتِ
اٰنانك مجادله ميكنند در ايات
اللّٰهِ اَنّٰى يُصْرَفُوْنَ
خدايِ از كجا گردانيده شوند
اَلَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِالْكِتَابِ
انكسانك دروغ زن داشتند بكتاب
وَبِمَا اَرْسَلْنَا بِهٖ رُسُلَنَا فَسَوْفَ
وبدانچ بفرستاديم ما بدو پيغامبران خود را پس زود باشد
يَعْلَمُوْنَ اِذِ الْاَغْلَالُ فِيْ
بدانند چون علها نهند در
اَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُوْنَ
گردنهاء ايشان وسلسلها ميكشند
فِي الْحَمِيْمِ ثُمَّ فِي النَّارِ
در آب بغايت گرم پس در آتش دوزخ
يسجرون

يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَمَا

بیندازند شان بس گویند مر ایشانرا کجا اند اناتک

كُنتُمْ تُشْرِكُونَ ۝ مِن دُونِ

بودید شما که انبار گرفتید شان از جز

ٱللَّهِ ط قَالُوا۟ ضَلُّوا۟ عَنَّا بَل

خدای گفتند گم شدند ازما بلکه

لَّمْ نَكُن نَّدْعُوا۟ مِن قَبْلُ شَيْـًٔا

نه بودیم که میخواندیم پیش ازین بخدایی چیزیرا

كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلْكَافِرِينَ ۝

همچنین گمراه کند خدای کافرانرا

ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ

این بدانچ بودید شادی میکردید

فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ

در زمین بنا حق

وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ۞

وبدانچ بوديد كه لبري آورديد

ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ

در ائيد بدها دوزخ جاودانه

فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

اندر آنجا به پس بدست جاي بازگشتن دوزخ مر متكبران را

فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ط

پس صبر كن كه وعده خدايه حق است

فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي

پس اگر بنمائيم ترا بهره آنچ

نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا

وعده كرده ايم ايشانرا يا بميرانيم ترا پس سوي ما

يُرْجَعُونَ ۞ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا

بازگردند وبدرستي كه فرستاديم پيغامبران

من

وَاسْتَغْفِرُوهُ ط وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ

وامرزش خواهيد ازو وويل دوزخ مر مشركانراست

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَوٰةَ

انانراكه ندهند زكوة

وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

وايشان بدان جهان ايشان كافرانند

اِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

بدرستي انانك بگرويدند وبكردند

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ اَجْرٌ غَيْرُ

نيكيها مرايشانراست مزدي ني

مَمْنُونٍ قُلْ اَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ

منّت ونقصان بگوي محمد ايشانرا شما تاكافري شويد

بِالَّذِي خَلَقَ الْاَرْضَ فِي

بدان خدايي كه افريد زمين در

الثلث

يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ط

در دو روز   و بکردند   مر او را   مانندان که نتوانند هیچ چیز آفریدن

ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ وَجَعَلَ

آن   خداوند   جهانیانست   و بکرد

فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا

در آن زمین   کوهها تا بر قرار ماند   از   زبر آن

وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا

و برکت کرد   در آن   اندازه کرد   درو   توشهاء اهل آن

فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ ط سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ ۝

در   چهار   روز   یعنی راست   مر پرسندگان را

ابن جواب

ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ

پس   ابتدا کرد آفریدن   آسمان را   و آن

دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ

دودی بود   پس گفت   مر آسمان را   و مر زمین را

ائتیا

ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا

بیایید خواهند بطوع یا خواهید بکره کفتند

أَتَيْنَا طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ

آمدیم نخرش متیبی بس تمام کرد آفرینش

سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ

هفت طبق آسمان در دو روز

وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا

وارام کرد در هوا با اهل هر آسمانی بانچ خواست

وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ

وبیاراستیم آسمان نزدیکتر را بستارکان

وَحِفْظًا ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ

ونکاه داشتیم نکاهداشتنی با دیوان سخن وریشکان زنند این اندازه کردن خداوند از جمند ست

الْعَلِيمِ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ

داناست که با او منار بس اکر روی بکردانند بس بکو ای محمد

عیق و تمامغ کسی را نیست

أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِّثْلَ صَاعِقَةِ

بیم کردم شمارا بعذابی مهلک همچون عذاب

عَادٍ وَّثَمُودَ إِذْ جَآءَتْهُمُ

عادیان وثمودیان جون بیامدند بدایشان

الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ

پیغامبران از پیش ایشان

وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوٓا

واز پس ایشان گفتند که مپرستید

إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَآءَ رَبُّنَا

مگر خدایرا گفتند اگر خواستی خداوند ما

لَأَنْزَلَ مَلٰٓئِكَةً فَإِنَّا بِمَآ أُرْسِلْتُمْ

فرو فرستادی فریشتگانرا پس ما بدانچ فرستادید

بِهٖ كٰفِرُونَ فَأَمَّا عَادٌ

بدو کافرانیم پس اما قوم عاد

ف

فاستكبروا في الارض بغير

بس تكبر كردند در زمين بنا

الحق وقالوا من اشد منا

حق وكفتند كيست سخت تر ازما

قوة اولم يروا ان الله الذي

بقوت انه ني دايندوني بينيد كه خداي انخدايست كه

خلقهم هو اشد منهم قوة

افريدشانرا وي سخت ترست ازيشان بقوت

وكانوا باياتنا يجحدون

وبودند بايات ما كه منكر مي شدند

فارسلنا عليهم ريحا صرصرا

بس بفرستاديم برايشان بادي سخت هر كجا برسيدي بسوختي انرا

في ايام نحسات لنذيقهم

در روزها بي نمغ تا بچشانيم شان

عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيٰوةِ

عقوبت خوار کننده در زندگانی

الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ

این جهان و هر اینه عذاب آن جهان است

اَخْزٰى وَهُمْ لَا يُنْصَرُوْنَ ۝

خوار کننده تر وایشان نه نصرت کرده شوند

وَاَمَّا ثَمُوْدُ فَهَدَيْنٰهُمْ فَاسْتَحَبُّوا

واما قوم ثمود پس هدیه دادیم ایشانرا پس برگزیدند

الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ

کوری را برراه راست پس بگرفت شان

صٰعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُوْنِ

عذاب هلاک کننده و خوار کننده

بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝ وَنَجَّيْنَا

بدانچ بودند که میکردند و برهانیدیم

الذين

ع

الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

آنانرا كه بگرويدند وبودند پرهيز كردند

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى

وروز قيامت گرد كرده شوند دشمنان خداي سوي

النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ حَتَّى

آتش دوزخ پس ايشانرا بازدارند تا همه دررسيند تا

إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ

چون بيايند آنرا گواهي دهد برايشان

سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ

شنوائي ايشان وبينائي ايشان وپوستهاء ايشان يعني فرجهاء

هُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ايشان بدانچ ميكردند

وَقَالُوا لِجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ

وگويند مر فرجهاء خود را چرا گواهي داديد

عَلَيْنَا قَالُوٓا أَنْطَقَنَا اللَّهُ

بر ما کوبند کوبا کرداند مارا خدای

الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ

آنکه کوبا کرد هر چیزی واو

خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ

بیافرید شمارا نخست بار وبسوی او

تُرْجَعُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ

باز کردانند شمارا ونه بودید شما که توانستید

توانستید که کناه خودرا بپوشیدید ازاندامهاء خویش

أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ

که کواهی دادند برشما امروز کوشها شما

وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ

ونه چشمهاء شمات ونه فرجهاء شما

وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ

ولیکن کمان بردید که خدای نداند

کثیرا

كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ وَذَٰلِكُمْ
بسيار برا ازانچ ميكرديد واين
ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُم بِرَبِّكُمْ
كمان شما انك كمان مي برديد بخداوند خويش
أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ
هلاك كرد شمارا بس بامداد كرديد يعني نكشتند از زيانكاران
فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى
بس اكر صبر كنند بس آتش جايكاهست
لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم
مر ايشانرا واكر عذر خواهند بس نيستند ايشان
مِّنَ الْمُعْتَبِينَ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ
از عذر بذيرفتكان وهم بركرده ايم مر ايشانرا
قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ
قرينان شيطان تا بياراستند مر ايشانرا آنچ بيش

ايديهم وما خلفهم وحق

و واجب شد و انچ پس ایشانست ایشان است

عليهم القول في امم قد خلت

برایشان گفتار من بعذاب در گروهان گذشته بدرستی که بگذشتند

من قبلهم من الجن والانس

پیش از ایشان از پریان و ادمیان

انهم كانوا خاسرين ۝ وقال

بدرستی که ایشان بودند زیانکاران و گفتند

الذين كفروا لا تسمعوا

انانک کافر شدند مشنوید

لهذا القرآن والغوا فيه

مر این قرانرا و سخن لغو بیفگنید در دو ما غلط

لعلكم تغلبون ۝ فلنذيقن

تا باشد که غالب شوید پس هر اینه بچشانیم

الذين

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا عَذَابًا شَدِيْدًا

آنانرا که کافر شدند عقوبت سخت

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ اَسْوَاَ الَّذِيْ كَانُوْا

و هر اینه باداش لنیم شان به بدترین کارها آنک بودند

يَعْمَلُوْنَ ذٰلِكَ جَزَآءُ اَعْدَآءِ

میکردند اینست باداش دشمنان

اللّٰهِ النَّارُ لَهُمْ فِيْهَا دَارُ

خدای آتش دوزخ مر ایشانرا سنت درآن سرای

الْخُلْدِ جَزَآءً بِمَا كَانُوْا

جاودانی باداش دادنی بدانچ بودند

بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ وَقَالَ

که بآیات ما منکر میشوند وگفتند

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا رَبَّنَا اَرِنَا الَّذَيْنِ

آنانکه کافر شدند ای خداوندا بنمای مارا ازدو تن را

أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ

كه گمراه كردند مارا از پريان يعني ابليس لعنهما الله وادميان

نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا

تا بكنيم شان هردورا زير پايها خويش تا باشند هردو

مِنَ الْأَسْفَلِينَ إِنَّ الَّذِينَ

از فرودتران بدرستي انانكه

قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا

گفتند خداوند ما الله است پس مستقيم بودند بدين

تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

فرود ايند برايشان فرشتگان وقت مرگ و گور و از اسمان

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا

كه مترسيد و اندوه مكنيد

وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ

و بشارت مر شمارا بهشت انك بوديد كه

تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ

وعده کرده شده‌اید مائیم دوستان شما

فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَفِي

در زندگانی این جهان و در آن

الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهِي

جهان و مر شما راست در آن بهشت آنچ آرزو کنید

أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

تنهاء شما و مر شما راست در آن بهشت آنچ بخواهید یعنی

آنچ بخواهید

نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ وَمَنْ

نزلی است یعنی از خداوند آمرزنده بخشاینده و کیست

این هم عطایی است

أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا

نیکوکارتر بگفتار از کسی که خواند خلق را

إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا

سوی رحمت خدای و بکنند کردار نیک

ع

وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

ونكويند كه من از مسلمانانيم

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ

ونيست برابر نيكي ونه بدي

ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

دفع كن بدي وجفا كافران بآن نيكي كه نيكو ترست

فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ

پس چون آنك ميان تو وميان او

عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

دشمنائي است جنانچه كه او قرابت ودوست است

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا

وتوفيق داده نشوند كذارد فرمان مكر آنانكه صبر كردند

وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

وتوفيق داده نشوند بدين خصلت بسنديده مكر خداوند نصيبي بزرك

وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ

واگر برسد ترا از دیو

نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ

وسوسه پس بازداشت خواه بخدای که او اوست

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ

شنوا دانا واز آیات

اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ

شب وروز وافتاب

وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ

وماه سجده مکنید مر افتاب را

وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ

ونه ماه را وسجده کنید مر خدایرا

الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ

إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا

اورا می پرستید بس اگر تکبر کنند این کافران

فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ

بس انانک نزدیک خداوند تو تسبیح میکویند

لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ

مر اورا بشب وروز وایشان را

لَا يَسْأَمُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ

ملامت وسیری نیست از تسبیح گفتن واز ایات اوست

أَنَّكَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً

که تو می بینی زمین را ارامیده

فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ

بس جون فرو فرستادیم بران آب

اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي

بجنبید وبیاماسد جون دانه هر اینه انکه
بخواهد رستن نخست
دانه بس کاورز

سجده

احیاها

مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو

پیش از تو   مراینه   خداوند تو موصوف است

مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ۝

بامرزش   وخداوند   عقوبتی   دردگین

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا

ولگر   گردیمی این   قرآنرا   بلفظی جز عربی نامفهوم   ونافصیح

لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ

هراینه عرب گفتی جرا نه   بیدا کردند وته فرستادند   آیات این ذکر را بلفظی عربی

عربیم تا فهم میکردیم

أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ

ومیگفتند   ورسول عربی   بگوی محمد   این ذکر

لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ

مر آنانرا که   بگرویدند   راه نماینست   وشفا مومنانرا است

وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فِي

وآنانکه   نگرویدند   در

#52 1

آذانهم وقرٌ وهو عليهم

گوشهاء ایشان گرانی و کری است و اوست بر ایشان

عمىً اولئك ينادون من

کوری ایشانند که ندا کرده میشوند از

مكانٍ بعيدٍ ولقد آتينا

جایگاهی دور و بدرستی که بدادیم

موسى الكتاب فاختلف

موسی را توریت پس مختلف شدند قوم او

فيه ولولا كلمةٌ سبقت

در وی و اگر نه وعده است سابق شده

من ربك لقضي بينهم وانهم

از خداوند تو ابه قضا کرده شدی میان ایشان محمد و بدرستی که ایشان

لفي شكٍ منه مريبٍ

هر اینه در کمانی اند از قرآن شکی با تهمت

ع

من

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ

هرکه بکند کردار نیک پس او راست نفع آن

وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا

وهرکه بدی کند پس بر ویست بدی آن و نیست

رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

خداوند تو ستمکار بر بندگان

ع

وقف کرد این حروف کلام مجید و فرقان حمید را بنو فتوح عالی

امیدوار از رحمت پروردگار

لما یرید باید شرح حروف دیگر هست

اضعف عباد الله مشرف بن جعفر اکرمه الله نصره الله المخاطب

الحضرت العالی منصور الملک بن منصور الملک منصور ملک لسوا عادی

و ذات دام علمکم حضرت شاه بابر و مشرف عبد الغنی کرم الله نصر الله

المخاطب منصور الملک منصور ملک طول الله عمره وجعله خلفا

صالحاً تا کافه اهل الاسلام بخوانند و از فوائد آن بدعاء ایمان
و سر خروئی هر دو جهان یاد آرند و قطعی صحیح شرعی تا هیچ کسی
بهیچ تاویلی لزبا و بلای شرعی ملک خود نسازد و ندزد و دعوی
نکند و نه بخشد و نه فروشد و بدل نکند هر که این شرایط تجاوز
کند خصم او صاحب کلام ملک العلام باشد بحکم قوله تعالی
فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه على الذين يبدلونه
ان الله سميع عليم اگر جزئی یا ورقی فوت شود مولانا
مسعود عز و صد و در قلعه دیهور را خبر کنند تا تو سیابند
تمام کرداند الرابع فی شهر المبارک رمضان عمت برکاته
ربهان و دعا